

پاورقی (۶۳)

جان‌شینی شوم

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسگری



یک روز، پزشک مانو او را دید که مقابل خانه‌شان روی یک صندلی نشسته و دارد می‌گرید: «از من خواست قسم بخورم کسی را از گریه‌اش باخبر نکنم. بعد گفت هیچ‌کس، حتی استالین در مبارزه سیاسی قادر به غلبه بر همسرش نبود کماینکه هیچ زنی قادر نبود هرگز قلبیش را تصاحب کند». یک‌بار وقتی جیانگ‌چینگ وارد بیمارستان شد، مانو او را به کارمند جدیدش که متصدی امور مخفی در دفترش بود، معرفی کرد؛ زنی سفیدپوست با دو چشم سیاه و دو ابروی کشیده، دقیقاً همان‌طور که مانودوست داشت. این زن توجه رئیس را جلب کرده بود. گفته بود وقتی در مدرسه ابتدایی بود، از او دفاع کرده است. به‌این‌خاطر، رفقایش از او انتقاد و حتی به‌همین‌دلیل او را مجازات کرده بودند. آن دو در بعضی از ساعت‌های روز با شب با هم دیده می‌شدند. حتی او مانو را در یکی از سفرهایش به شانگهای همراهی کرد. گویی دوست نخستش بود؛ کسی که حتی او را از جیانگ پنهان نمی‌کرد و همین مسئله بیشتر او را آزار می‌داد. زن فاسق به این افتخار می‌کرد که رازدار مانو شده است. بنابراین در برابر همسر رئیس‌جمهور، با او رفتاری دوستانه و محبت‌آمیز می‌شد. جیانگ‌چینگ سعی کرد با توجه به نقش سیاسی‌اش، او را فریب دهد. درنهایت، کار به جایی رسید که او را تسلیم کرد و در تنگنایی قرار داد که هیچ راه گریزی نداشت.

در سال‌های ۱۹۷۰ انتقالمش را گرفت؛ یعنی زمانی که مانو با «هانگ یوونگ» آشنا شد که محافظ قطار بود. جیانگ او را تشویق کرد تا به یک قهرمان فوتبال تبدیل شود و درنهایت نیز به‌عنوان جایزه، پست وزارت ورزش را برای یک دوره کوتاه به او داد.

زمان با او رفیق بود. مانو داشت پیر می‌شد. درعوض، جیانگ زندگی مرفه و پریخت‌پواشی داشت. تابستان سال ۱۹۷۴، جساتر به خرج داد و در برابر جمعیتی از زنان در «تیانجین» فریاد زد: «چرا یک زن نمی‌تواند آزاد باشد؟».

مانو و جیانگ ذائقه‌ای متفاوت داشتند. در دوران پیری، دیگر مانو چندان به‌دنبال دختران زیرک یا مشهور نبود. به‌این‌رتیب بود که جیانگ نبرد خود را با صبر و رنج فراوان از همسرش برد؛ آن‌هم در اوج انقلاب فرهنگی. مدتی طولانی بود که دو نفر دیگر با هم هیچ رابطه‌ای نداشتند. باین‌حال، مانو‌ا کوتاهی رابطه‌اش با دختران جوان شکافت می‌کرد.

باین‌وصف، آیا سلطه جیانگ چینگ می‌توانست ادامه داشته باشد؟ کسی که شاهد سوءبرخورد، خیانت دوستان و اعضای تأثیرگذار در حزب بود. نزاع‌های سیاسی در هرم قدرت چین روزبه‌روز تشدید می‌شد. جیانگ به عملیات تصفیه خود در اطراف مانو ادامه داد. درعین‌حال، دوردست‌ها را هم زیر نظر داشت؛ چرا باید به این بسنده کند که همسر یک مدیر والا باشد؟ چرا جانشین او نشود؟

با مرگ «چون لای» در هشتم دسامبر سال ۱۹۷۶، جیانگ چینگ نیز در آخرین مرحله از زندگی، با یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان استراتژیک چین دیدار کرد. در اتاق انتظار، جایی که رهبران سرچای خود می‌ایستادند، یکی از معاونان سابق چونن لای که ۹۰ سال داشت، نتوانست جلو خودش را بگیرد. او به محض دیدن جیانگ، فریاد کشید: «آیا بدکردن تو به مردم و در جریان انقلاب کافی نیست؟ یادت نمی‌آید در «یانا» زمانی تو و مانو در یک عصر به دیدن من آمدید. دوتایی از من می‌خواستید اجازه دهم باهم ازدواج کنید. تو می‌گفتی هرگز به سیاست نخواهی پرداخت؟» جیانگ چاره‌ای جز سکوت نمی‌دید. اما آن قهرمان پیر که داشت از عصبانیت خفه می‌شد، سخنانش را این‌طور بیان داد: «تو حتی یک بشر نیستی!».

این حرف‌ها، قضاوت یک پیرمرد خرف نبود. درواقع، تمام ملت چین نیز همین برداشت را داشتند؛ ملتی که چونن لای، نخست‌وزیر تازه‌درگذشته، را فردی میان‌ه‌رو و یکی از برجسته‌ترین اعضای دولت می‌دانستند؛ کسی که به‌عنوان یک مسیر بازدارنده در برابر دیوانگی‌های ویرانگر جیانگ، مقاومت می‌کرد. در خیابان‌های شهر تظاهراتی در تکریم چونن لای به‌راه افتاد که بسیار باشکوه و عظیم بود. اما به اندازه سال‌هایی که جیانگ در قصر مانو مشغول توطئه‌چینی بود، به همان میزان، از ملت و احساسات‌شان فاصله گرفته بود. در میدان «درهای آسمانی صلح» با شتاب شهرهای بر دیوار نوشته شده بود که جیانگ چینگ را مورد انتقاد قرار می‌داد: «خانم ایکس/ تو واقعاً دیوانه‌ای/ آرزو داری که امپراتور شوی/ این آینه را بگیر و به قیافهات نگاه کن/.../ تو رؤسای خودت را می‌فریبی/ همچنان که از زیردستانست سوال استفاده می‌کنی/ اما روزهای خوشبختی/ امثال تو دوامی نخواهد داشت».

جیانگ مرتکب خطای فاحشی شد، زیرا دستور داد در آن میدان، تاج‌های رحمت را برداشته و متن‌هایی را که رینت‌بخش تمثال قهرمانان ملت بود، حذف کنند.

ادامه دارد

«ارنستو چه‌گوارا»، پسر یک زمین‌دار ثروتمند آرژانتینی، در اوج جوانی از هستی و نیستی خود دست کشید و به‌دنبال آرمان عدالت، رشته پزشکی را در دانشگاه رها کرد، در گوشه دیگری از قاره آمریکا، با «فیدل کاسترو» کوبایی آشنا شد. ارضفا کاسترو هم پسر یک زمین‌دار مرفه بود. این دو مرد جوان با همراهی گروهی از دوستان و جوانانی که شوروی انقلابی در سر داشتند و البته با حمایت‌های ابرقدرت شرقی در ۱۹۵۹ میلادی، توانستند نظام «فالگنسوی باتیستا» را شکست دهند و حکومتی سوسیالیستی در کوبا ایجاد کنند.

حالا پس از گذشت بیش از نیم قرن از آن روزها، کتابی منتشر شده که تصورات و داستان دلاوری‌های رهبران کوبا را وارونه کرده است. «خوان رینالدو سانچز»، یادیکارד شخصی کاسترو، در کتابی به شرح تصویری متفاوت از رهبر سابق کوبا پرداخته است. او می‌گوید ۱۷ سال از باران نزدیک کاسترو بوده تا اینکه با «درک دورویی او» به آمریکا می‌گریزد. روزنامه «دیلی‌میل» در گزارشی در این مورد نوشته است: «کاسترو خود را مردی پنهان می‌داد که چشمی به ثروت و مال‌اندوزی نداشت و در دام این چیزها نخواهد افتاد، اما واقعیت کمی متفاوت است. فیدل کاسترو، رهبر کمونیست کوبا، زندگی مجلل و میلیون‌ها دلار سرمایه داشت». یادیکارדش می‌گوید فیدل خیلی پول‌دار بود و حتی یک جزیره خصوصی به نامش بود. سانچز در کتابش که «زندگی دوگانه فیدل کاسترو» نام دارد، روایت می‌کند چگونه کاسترو پس از حمله ناکام «خلیج خوک‌ها» در سال ۱۹۶۱، زمانی که سازمان «سیا» در حال آموزش تبعیدی‌ها

جهان



روایت بادیگارد شخصی کاسترو از بهشت کوچک رهبر کوبا

زندگی دوگانه فیدل

برای سرنگونی دولت کوبا بود، این جزیره پنهان را کشف کرد. کاسترو این منطقه را در هنگام فرود دیده و توسط محلی‌ها از مکان جزیره «کاپو پیدرا» مطلع شده بود. به‌گفته سانچز، محل زندگی کاسترو در این جزیره، بسیار تجملاتی‌تر از چیزی است که می‌توان فکر کرد. به گزارش ایسنا، سانچز در بخشی از کتابش می‌نویسد: فیدل کاسترو تصویری دیگر از خود ارائه داده بود و گاهی صریحا ادعا می‌کرد انقلاب از او فرصت و زمان تفریح را گرفته است. او ادعا می‌کرد از تفریح و به‌ویژه جنبه بورژوازی آن چیزی نمی‌داند؛ ادعاهایی که هرگز نمی‌توانستند

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، در جریان سفر به فرانسه.

فرانسوا اولاند به‌عنوان اولین رهبر فرانسه در یک قرن گذشته به کوبا سفر کرد

دیدار در جزیره ممنوعه



قربانٔ فراوان با شوروی، به‌دنبال راهی یگانه برای تحقق آزادی بود. درست است، اولاند متعلق‌به نسلی بود که روشنفکران، هنرمندان و فعالان چپ‌گرای آن از بزرگ‌ترین حامیان انقلابیون کوبایی، چون «فیدل کاسترو» و «ارنستو چه‌گوارا»، بودند؛ نسلی که بازیگران سینمایش چون «ژرارד فیلیپ» تا کوبا می‌رفتند، شاید بتوانند با کاسترو عکس یادگاری بگیرند؛ نسلی از ژان پل سارترها، سیمون دوبوارها، مارگریت دوراس‌ها و انیس وارداهایی که اولین دوستان انقلاب بودند؛ نسلی که حتی اگر دوشادوش رئیس‌جمهوری فرانسه نیز می‌ایستاد، از بوسه بر کاسترو دریغ نمی‌کرد. با وجود این، بهتر است میراث انقلابیون فرانسوی ما را به خطا نیندازد. سفر فرانسوا اولاند به کوبا، آن‌هم درست زمانی که درهای اقتصاد این کشور هنوز فقط به‌صورت یک‌طرفه روی سرمایه‌گذاران آمریکایی و اروپایی باز شده است، تنها یک هدف را دنبال می‌کند: تثبیت جایگاه فرانسه، به‌عنوان اولین کشور اروپایی، بر بازار منابعی که بیش از نیم‌قرن، دست‌کم به‌طور نسبی، از تاراج سرمایه‌گذاران خارجی به‌دور بوده است؛ این همان حقیقتی است که اولاند نیز ابایی از آشکارکردن آن ندارد. رئیس‌جمهوری فرانسه در اولین سخنان خود پس از ورود به هاوانا، هدف از این سفر تاریخی را اطمینان‌بخشی از نقش حمایتی

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، در جریان سفر به فرانسه.

پوتین و انتخاب‌های دشوار



«نیکلا سارکوزی»، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، آن را به‌کار برد. از طریق بستن همین شیرهای نفت و گازی که از روسیه و از طریق دشت‌های اوکراین به اروپا می‌رسید، بود که مشکل اوکراین پدید آمد؛ مشکلی که امروز به یکی از خطرناک‌ترین پرونده‌های بین‌المللی تبدیل شده است. پیامدهای این بحران، همچنان دامن‌گیر اروپا و روسیه شده و به‌طور کلی روابط بین شرق و غرب را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. پس از پیچیده‌شدن مشکل اوکراین و تبدیل آن از یک نزاع داخلی بین طرفداران و مخالفان دولت به یک نزاع بین‌المللی بین روسیه از یک طرف و آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی از سوی دیگر، بود که پوتین تصمیم گرفت موضعی سخت‌انذاذ و بلافاصله اعلام کند جزیره کریمه را دوباره به حاکمیت روسیه بازخواهد گرداند. این برنام‌ه با فراندوم ۱۶ مارس سال ۲۰۱۴ تکمیل شد و تنش را بین روسیه و کشورهای اروپایی به اوج خود رساند. به‌دنبال آن بود که آمریکا و کشورهای اروپایی تحریم‌های شدیدی را علیه روسیه اعمال کردند؛ تحریم‌هایی که اقتصاد روسیه را در آستانه ورشکستگی و فروپاشی قرار داده است. این تحریم‌ها با شکی شدید قیمت

هلیکوپتر و محل نگهداری از دو دلفین را در خود جای داده است. تنها کسانی که روابط بسیار نزدیکی با کاسترو دارند، درباره این جزیره که در جنوب هاوانا قرار داشته و محل استراحت رهبر سابق کمونیست کوبا، همسرش و پنج فرزندش است را می‌دانند. تا امروز تعداد کمی از این جزیره بازدید کرده‌اند که یکی از آنها «اریش هونگر»، رهبر سابق آلمان شرقی، پیش از فروپاشی دیوار برلین بوده است. دپلی‌میل درادامه می‌نویسد: «پس از غصب قدرت طی یک کودتای کمونیستی، کاسترو اطمینان یافت مردمش؛ کسانی که او را نمونه‌اعلای برابری کمونیستی می‌دانند، از وجود این جزیره اطلاعی نداشت‌ه باشند».

سانچز می‌گوید فیدل حتی حقایق مربوط به ثروتش را نیز از مردم پنهان می‌کرد. در کتاب سانچز آمده است پس از اینکه دولت آمریکا با تبعید صد هزار کوبایی موافقت کرد، این کاسترو بود که انتخاب می‌کرد چه کسانی در سال ۱۹۸۰ کوبا را به مقصد فلوریدا ترک کنند. اما کاسترو به جای اینکه اجازه دهد خانواده‌ها به آمریکا بروند، زندان‌ها و تیمارستان‌ها را خالی از سکنه کرد و آنها را به آمریکا فرستاد؛ ماجرابی که به تبعید دریایی «ماریل» مشهور شد. سانچز حتی ادعا می‌کند کاسترو شخصاً پرگه ارسال قاتلان و متجاوزان به آمریکا را ارسال کرد، اما امکان آزادی مخالفان انقلاب خود را از آنان سلب کرد. کاسترو که در سال ۲۰۰۸ از سمتش به‌عنوان رهبر کوبا کناره‌گیری و برادرش را جانشین خود کرد، اطمینان داشت مردمش از وجود چنین زندگی‌ای بی‌اطلاع هستند.

فیدل کاسترو، رهبر کوبا، در جریان سفر به فرانسه.

فرانسوا اولاند به‌عنوان اولین رهبر فرانسه در یک قرن گذشته به کوبا سفر کرد

کشورش درباره کوبایی‌ها دانست تا در صورت برداشتن گام‌های لازم برای بازگشایی روابط با غرب، روی پشتیبانی فرانسه حساب باز کنند. او چندروز پیش‌تر نیز در جریان سفر دورهای و پنج‌روزه خود به کارایب، که بازدید از کوبا تنها بخشی از آن بود، از عزم کوبا، این قربانی تحریم‌های ۵۰ ساله ایالاتِ متحده، برای آغاز عصری جدید در روابط بین‌الملل خبر داده بود؛ عصری جدید که از منظر رئیس‌جمهوری فرانسه، فقط به‌واسطه برداشتن تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه کوبا محقق خواهد شد. اولاند که با همراهی هیاتی از رهبران اقتصادی و تجاری فرانسه قدم به هاوانا گذاشته است، درحالی از وجود موانع فراوان پیش‌روی تجارت با کوبا گلایه می‌کرد که کشورش مدت‌هاست با وجود تحریم‌های اعمالی اتحادیه اروپا، روابط اقتصادی پر دامنه‌ای با هاوانا برقرار کرده است. در حقیقت این ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ بود که موجب ازسرگیری مذاکرات سیاسی هاوانا و بروکسل پس از وقفه‌ای پنج‌ساله شد. فرانسه که از سال ۱۹۹۱ به این‌سو همواره پای ثابت پیش‌نویش قطع‌نامه دولت کوبا در محکوم‌کردن تحریم‌های ایالات متحده بوده است، با اولویت‌بخشی به روابط دیپلماتیک خود با کشورهای حوزه کارایب، چرخ عادی‌سازی روابط اتحادیه اروپا و کوبا را، که از سال ۲۰۰۳ و به‌دلیل سربو روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی این کشور به تیرگی گراییده بود، حتی پیش‌تر از ایالات متحده به‌راه انداخت؛ چنان‌که ۹ ماه پیش از کلیدخوردن فرایند عادی‌سازی روابط با کوبا از سوی اوپاما، این «لوران فابیوس»، وزیر خارجه فرانسه، بود که در دیداری کوتاه از کوبا، با همشای کوبایی خود دیدار کرد. ثمره این دیدار گسترش فرصت‌های تجاری برای بیش از ۶۰ شرکت فرانسوی بود که حجم مبادلات تجاری دو کشور را تا سقف ۴۰۰ میلیون دلار افزایش داد. درنتیجه، باید منتظر ماند و دید اینکه چه برنامه سفری اولاند، جدای از ناکامی او در دیدار با «رائول کاسترو»، رئیس‌جمهوری کوبا، بر محور امضای چندین و چند توافق‌نامه تجاری تنظیم شده است، آیا فرانسه خواهد توانست در رقابتی محتوم با ایالات متحده، پیروز میدان هاوانا باشد یا خیر.

برخورد کند. اما این تفکر به لحاظ سیاسی، استراتژیک و حتی نظامی دشوار است، زیرا کافی نیست که مسکو تنها برای خود یک زرادخانه اتمی وحشتناک داشته باشد تا با آمریکا در سطح خودش برخورد کند، بلکه تفاوت‌های اساسی بین جایگاه دو کشور در جاهای دیگری نهفته است. برای مثال درحالی‌که بوجه نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ میلادی فراتر از صد میلیارد دلار نمی‌رود، همین بوجه نظامی در آمریکا به بیش از ۵۷۸ میلیارد دلار می‌رسد.

یکی از گزینه‌های سختی که امروزه پوتین در برابر خود می‌بیند، از سرگرفتن پروازهای هوایی بر فراز قطب شمال و در نزدیکی اماکن استراتژیک و حساس شمال اروپاست. پوتین برای احیای دوباره شوروی قدیم، مجبور است دست به این کار بزند. حال آنکه این امر می‌تواند سایه جنگ‌سرد را دوباره از نو مطرح کند. تصمیم روسیه برای تحویل موشک‌های اس-۳۰۰ هم‌زمان با تحولات یم، می‌تواند برگ برنده دیگری را در اختیار پوتین برای عرض‌اندام در برابر کشورهای غرب قرار دهد. این در حالی است که دیدیم این کشور در مورد قطع‌نامه ۲۲۱۶ از حق وتو خود استفاده نکرد؛ در این قطع‌نامه، متحدان ایران محکوم شده بودند. درمجموع باید گفت ولادیمیر پوتین گزینه‌های سختی را مقابل خود دارد. اما در برابر او، «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور آمریکا، یک سیاست پراگماتیک را در پیش گرفته است. یک‌بار اوباما گفته بود: ««پوتین» سومین بلا بعد از «داعش» و بیماری «ایبولا»، در جهان است».

رویداد

ناپدیدشدن جنگنده اف۱۶ مراکشی دریمین

● مراکش اعلام کرد یکی از جنگنده‌های این کشور که در حملات هوایی نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان در یمن شرکت داشته، یکشنبه‌شب ناپدید شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، براساس گزارش‌ها، شش جنگنده اف۱۶ مراکشی در حملات هوایی نیروهای ائتلاف علیه شورشیان شیعه حوثی حضور دارند. در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری دولتی مراکش منتشرشده است، گفته شده تحقیقات درباره ناپدیدشدن این جنگنده در جریان است. خبرگزاری دولتی یمن، «سبا»، که تحت کنترل حوثی‌هاست، گزارشی از ناپدیدشدن این جنگنده منتشر نکرده است. سایر رسانه‌های یمن هم اشاره‌ای به این موضوع نداشته‌اند. این درحالی است که خبرگزاری رویترز به‌نقل از «المسیره»، شبکه خبری رسمی وابسته به حوثی‌ها، اعلام کرد پدافند هوایی این گروه از سرنگون‌کردن یک جنگنده اف۱۶ بر فراز منطقه‌ای دورافتاده در شمال غرب استان صعده خبر داده است. این شبکه خبری، جزئیات بیشتری دراین‌باره ارائه نکرده است.

پوتین آلمان را«شریک ودوست» روسیه خواند

● «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، در دیدار با «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه، خواستار حل مسالمت‌آمیز بحران اوکراین شد. مرکل در مسکو گفت، «موضوع بر سر برقراری مجدد تمامیت ارضی اوکراین است، اینکه ما این امر را با همکاری باهم ادامه دهیم.» مرکل گفت «الحاق تبهکارانه وغیرقانونی کریمه» به همکاری میان آلمان و روسیه ضربه‌ای سنگین وارد کرده است. او افزود این عمل، نظم صلح‌آمیز در اروپا را به خطر انداخته است. صدراعظم آلمان گفت با وجود این، هر دو کشور باید تمامی تلاش خود را بکنند تا کشمکش‌ها را از راه دیپلماتیک حل کنند. او افزود آلمان همچنان در این روند کوشا خواهد بود، اما «را‌هی دشوار» در پیش است. مرکل گفت البته در گفت‌وگو با پوتین حس کرده است آلمان و روسیه می‌توانند این کار را به‌طور مشترک انجام دهند. پوتین این گفته را تأیید کرد. به عقیده پوتین، فرایند صلحی که بر سر آن در قرارداد آتش‌بس «مینسک» توافق حاصل شده، با وجود برخی مشکل‌ها در حال پیشرفت است. پوتین گفت اوضاع اوکراین در این اواخر آرام‌تر شده است. رئیس‌جمهور روسیه گفت با وجود اختلاف نظری که در رابطه با کشمکش اوکراین وجود دارد، آلمان را «شریک و دوست» روسیه می‌داند. پوتین افزود اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم نه علیه آلمان، بلکه علیه آلمان نازی جنگید.

انتقاددمشق از سفر اوغلو بر فراز خاک سوریه

● خبرگزاری رسمی سوریه (سانا)، عبور «احمد داود اوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه، از خاک سوریه، به‌منظور بازدید از محل دفن «سلیمان‌شاه»، پدربزرگ بنیان‌گذار حکومت عثمانی، را «تجاوز آشکار» به تمامیت ارضی آن کشور نامید. نخست‌وزیر ترکیه، به‌طور ناگهانی، از مدفن سلیمان‌شاه، که پدربزرگ عثمان یکم، پایه‌گذار حکومت و امپراتوری عثمانی است، دیدار کرد. خبرگزاری رسمی سوریه، در خبری اعلام کرد، «نفوذ داود اوغلو به خاک سوریه، بدون اجازه از دولت سوریه، تجاوزی آشکار به تمامیت ارضی یک عضو سازمان ملل و زیرپاداشتن قوانین بین‌المللی است». محل دفن سلیمان‌شاه، که گفته می‌شود در سال ۱۲۳۶، درگذشته است، در معاهده‌ای بین ترکیه و فرانسه، در سال ۱۹۲۱ در کنترل آنکارا قرار گرفت.

کامرون برگزار می‌همه‌پرسی استقلال اسکاتلند را رد کرد

● «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر انگلیس، تأکید کرد اسکاتلند همه‌پرسی دیگری برای استقلال از انگلیس برگزار نخواهد کرد. دیوید کامرون در مصاحبه با شبکه ۴ خبری تصریح کرد هیچ همه‌پرسی دیگری درباره استقلال اسکاتلند از انگلیس وجود نخواهد داشت. در انتخابات سراسری اخیر انگلیس، حزب «ملی» اسکاتلند، که از استقلال این کشور از انگلیس حمایت می‌کند، به برتری تاریخی در برابر حزب کارگر دست یافت و ۵۶ کرسی از ۵۹ کرسی پارلمانی را در اختیار گرفته است. او گفت: اسکاتلند پیش‌ازاین با برگزاری همه‌پرسی به باقی‌ماندن در کنار انگلیس رای داده است. دولت اکنون در شرایطی است که نیاز دارد کشور را با یکدیگر متحد کرده و مناطق مختلف را در کنار هم قرار دهد. در همه‌پرسی سپتامبر گذشته، ۵۵ درصد مردم اسکاتلند به ادامه عضویت این کشور در پادشاهی متحد بریتانیا رای دادند. اظهارات کامرون در شرایطی است که «الکس سالموند»، رهبر سابق حزب ملی اسکاتلند، تأکید کرده است اسکاتلند بیش از هر زمان دیگری به جدایی از انگلیس نزدیک شده است. این نخستین‌بار است که حزب ملی اسکاتلند اعلام کرده از برتری کلی خود در انتخابات، به‌عنوان اهرمی برای جدایی اسکاتلند از انگلیس استفاده خواهند کرد.